



یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۵ شماره ۹۱۱۲

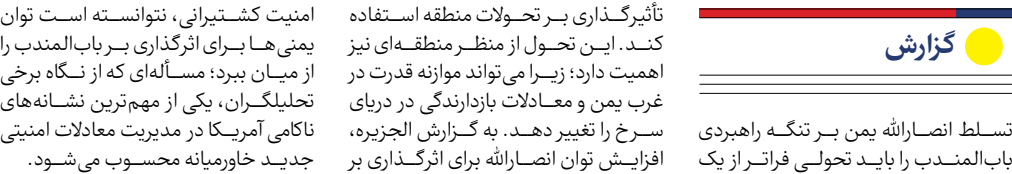
irannewsapper irannewsapper



مقاومت چگونه بازدارندگی آمریکا را به چالش کشید؟

از هرمز تا باب‌المنندب

تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه



تأثیرگذاری پر تحولات منطقه استفاده کند. این تحول از منظر منطقه‌ای نیز اهمیت دارد؛ زیرا می‌تواند موازنه قدرت در غرب یمن و معادلات بازدارندگی در دریای سرخ را تغییر دهد. به گزارش الجزیره، افزایش توان انصارالله برای اثرگذاری بر امنیت این مسیر دریایی، اهرم‌های فشار ایران و متحدانش را در یکی از مهم‌ترین شریان‌های تجاری و انرژی منطقه تقویت می‌کند. در همین چارچوب و از نگاه ناظران بین‌المللی، تحولات باب‌المنندب را نمی‌توان جدا از تنگه هرمز بررسی کرد. همزمانی فشار بر این دو گلوگاه راهبردی، چشم‌انداز شکل‌گیری آرایشی جدید از قدرت را در منطقه مطرح می‌کند؛ آرایشی که در آن مسیرهای تجارت و انرژی، علاوه بر اهمیت اقتصادی، به ابزار اعمال قدرت و بازدارندگی تبدیل شده‌اند. این وضعیت در عین حال نشانه‌ای از محدودیت آمریکا در ایجاد بازدارندگی در برابر انصارالله است. واشنگتن با وجود حضور نظامی و تلاش برای تأمین

امنیت کشتیرانی، نتوانسته است توان یمنی‌ها برای اثرگذاری بر باب‌المنندب را از میان ببرد؛ مسأله‌ای که از نگاه برخی تحلیلگران، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های ناکامی آمریکا در مدیریت معادلات امنیتی جدید خاورمیانه محسوب می‌شود.

نقشه جدید قدرت در خاورمیانه

برای دهه‌ها، یکی از اهداف استراتژی بزرگ آمریکا، کنترل تردد در مناطق حیاتی و توانایی تسلط بر مسیرهای تجاری و انرژی بوده است که اقتصاد جهانی به آنها وابسته است. منطقه خلیج فارس یکی از مهم‌ترین این مناطق حیاتی بوده است. المیادین در گزارشی نوشت: در اواخر دهه ۱۹۷۰، رینگنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی و متفکر استراتژیک ایالات متحده، از «کمان بحران» که از شاخ آفریقا تا جنوب آسیا امتداد داشت، به عنوان منطقه‌ای با شکندندگی سیاسی که مستعد نفوذ و بهره‌برداری ژئوپلتیکی است، سخن گفت. در چارچوب جنگ سرد، برژینسکی معتقد

بود که شکندندگی این منطقه می‌تواند به اتحاد جماهیر شوروی اجازه دهد تا نفوذ خود را به سمت جنوب گسترش دهد و منافع استراتژیک آمریکا و دسترسی به مناطق انرژی و خطوط دریایی در اقیانوس هند و خلیج فارس را تهدید کند. بدون شک، تحولات سال ۲۰۲۶، از جمله جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران و پیامدهای آن، اهمیت استراتژیک آن منطقه را بار دیگر تأیید می‌کند. اگر افغانستان در دهه ۱۹۸۰ به دلیل موقعیت زمینی خود در رقابت شوروی و آمریکا اهمیت داشت، یمن در سال ۲۰۲۶ اهمیت خود را از پتانسیل خود برای تأثیرگذاری بر یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری و انرژی بین آسیا و اروپا می‌گیرد. بر این اساس، پیشروی نیروهای مسلح یمن و کنترل آنها بر مناطق حیاتی مشرف به باب‌المنندب، تغییر چشمگیری در موازنه قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شود. ارزش استراتژیک آنچه انصارالله در یمن به دست آورده است، نه تنها از منطقه جغرافیایی که اکنون در کنترل دارند، بلکه از کنترل آنها بر یکی از «دروازه‌هایی» که تجارت بین شرق و غرب از طریق آن انجام می‌شود، ناشی می‌شود.

اهمیت استراتژیک باب‌المنندب و تنگه هرمز با نقش آنها به عنوان اجزای جدایی‌ناپذیر زیرساخت‌های اقتصاد جهانی برجسته می‌شود. جهانی شدن مدرن، جغرافیا را از بین نبرده است بلکه با افزایش اتکا به زنجیره‌های تأمین دریایی، ارزش برخی مناطق حیاتی را افزایش داده است. از این نظر کنترل یا حتی توانایی تأثیرگذاری بر تنگه‌های هرمز و باب‌المنندب همزمان هم یک تهدید نظامی مستقیم و هم ابزاری برای اعمال فشار ساختاری بر اقتصاد جهانی است. با این توصیف، تحولات پس از جنگ با ایران نشان دهنده تغییر در منطقه از مدل «قوس بحران» که توسط برژینسکی توصیف شده بود به مدل فعلی است که می‌توان آن را «قوس تنگه‌های استراتژیک» نامید. در طول دهه ۱۹۷۰، تکرانی‌های آمریکا بر فروپاشی نظام‌های سیاسی و ظهور هرج و مرج در منطقه متمرکز بود. این حال-امروزه جدی‌ترین چالش نه چندان در شکندندگی دولت‌ها، بلکه در توانایی بازگردان منطقه‌ای غیردولتی برای تأثیرگذاری بر کردیورهایی است که اقتصاد جهانی را به هم متصل می‌کنند. در این مدل جدید، کنترل جغرافیا به تنهایی دیگر برای سنجش قدرت کافی نیست؛ این توانایی نفوذ بر نقاط ترانزیتی و زیرساخت‌های حیاتی است که به منبع قدرت دیگری تبدیل شده است، اتفاقی که از نگاه کارشناسان باعث می‌شود تصمیم‌گیرندگان ایرانی، کنترل تنگه هرمز و ایجاد ترتیبات حاکمیتی بر آن

را پس از پایان جنگ، پیش از موضوع تغییر دکترین هسته‌ای ایران، در اولویت قرار دهند. در نتیجه، ارتباط فعلی بین تنگه هرمز و باب‌المنندب در سیاست بین‌الملل امروز، صرفاً به عنوان یک ارتباط جغرافیایی بین دو نقطه دریایی ادراک نمی‌شود، بلکه از آن به عنوان یک سیستم بازدارندگی ژئواکونومیک یاد می‌شود که از خلیج فارس تا دریای سرخ امتداد دارد.

شکست بازدارندگی آمریکا

تحولات اخیر در یمن، معادلات امنیتی و دریایی منطقه را وارد مرحله‌ای تازه کرده است؛ تحولی که به گفته یک پژوهشگر اسرائیلی، همزمان جایگاه انصارالله را در معادلات منطقه‌ای تقویت و ناکامی آمریکا در ایجاد بازدارندگی مؤثر در برابر مقاومت یمن را آشکارتر کرده است؛ چراکه آمریکا درگیر جنگ علیه ایران است و نمی‌خواهد خود را وارد درگیری دیگری در منطقه کند.

دنی سیتربنویچ، پژوهشگر ارشد برنامه ایران در مؤسسه مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی (INSS) و افسر سابق اطلاعاتی، تحولات اخیر در یمن و باب‌المنندب را یکی از شدیدترین شکست‌های راهبردی مشاهده‌شده در منطقه طی سال‌های اخیر توصیف کرد. به گزارش روزنامه اسرائیلی معاریو، سیتربنویچ با اشاره به توانایی انصارالله یمن برای ایجاد اختلال در تردد دریایی گفت که این جنبش پیش از این نیز قادر به مختل کردن حرکت کشتی‌ها بود، اما اکنون با کنترل منطقه، معادله را به نفع خود تغییر داده است.

این پژوهشگر صهیونیست اضافه کرد: «تسلط بر باب‌المنندب به انصارالله «انعطاف عملیاتی بسیار بیشتری برای تهدید، ایجاد اختلال و حتی بازطراحی» تردد دریایی را در یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های دریایی جهان می‌دهد.» سیتربنویچ تصریح کرد، انصارالله توانسته در برابر آمریکا «معادله بازدارندگی» خاص خود را ایجاد کند. پژوهشگر ارشد برنامه ایران در مؤسسه مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی مدعی شد، انصارالله می‌داند یک جنگ طولانی مدت در منطقه شود و از همین محدودیت برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند.

سیتربنویچ این مسأله را بخشی از یک تحول گسترده‌تر مرتبط با ایران دانست و ادعا‌عن کرد که تهران و متحدانش به این نتیجه رسیده‌اند شرایط کنونی صرفاً برای تحمل و پشت سر گذاشتن فشار منطقه‌ای نیست، بلکه می‌توان از آن برای تلاش جهت بازطراحی نقشه راهبردی منطقه استفاده کرد.

جهان

۵

بدون روتوش



محمد محسن فابیضی

کارشناس مسائل فلسطین

مسجد در غزه

محوریت هویت اجتماعی مقاومت

۱۲۴۴ مسجد از مجموع ۱۲۷۵ مسجد غزه در جریان طوفان الاقصی و پس از ۱۲۷۵ کثرت هدف قرار گرفته‌اند و ۱۰۷۷ مسجد به‌طور کامل ویران شده‌اند. این تازه‌ترین آماری است که وزارت اوقاف و امور دینی غزه اعلام کرده است؛ آماری که نشان می‌دهد تقریباً تمام شبکه مساجد این باریکه کوچک، مورد حمله قرارگرفته است. برای فهم نسبت مسجد و مقاومت در غزه باید از همین نقطه آغاز کرد. مسجد در جامعه نوارغزه صرفاً محل نماز مانند دیگر مساجد اهل سنت جهان عرب نیست؛ نهادی اجتماعی است که عبادت، آموزش، تربیت، خیریه و روابط محله‌ای را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در تجربه غزه، این کارکرد اجتماعی با گذشت زمان به یکی از پایه‌های شکل‌گیری جامعه‌ای تبدیل شد که مقاومت را بخشی از هویت خود می‌دانست.

دلیل این مسیر، شیخ احمد یاسین است؛ بنیان‌گذار حماس. یاسین پیش از آنکه رهبر یک جنبش سیاسی و نظامی باشد، خطیب مسجد، معلم و فعال اجتماعی بود. او از مساجد برای برگزاری درس‌های دینی برای مردان، زنان و کودکان استفاده می‌کرد و در همان مساجد صندوق‌هایی برای کمک به نیازمندان ایجاد کرد. دانشگاه اسلامی که تحت مدیریت او فعالیت می‌کرد، همزمان در حوزه تحفیظ قرآن، ساخت مساجد، مدارس و خدمات اجتماعی فعال بود.

به این ترتیب، مسجد برای یاسین فقط محل سخنرانی نبود؛ نقطه آغاز یک پروژه اجتماعی برای ساختن انسان و جامعه از دهه ۶۰ میلادی و پیش از جنگ ۶ روزه بود؛ یعنی حدود دو دهه قبل از اعلام رسمی موجودیت مقاومت حماس در غزه.

این میراث را می‌توان در روند گسترش مساجد غزه نیز مشاهده کرد. دکتر نسیم یاسین، استاد دانشگاه اسلامی غزه می‌گوید تعداد مساجد در دهه ۱۹۷۰ تنها حدود ۷۰ مسجد بوده، اما اکنون (۲۰۲۳) به بیش از ۱۲۰۰ مسجد رسیده است. او مسجد را نهادی می‌داند که در کنار عبادت، وظیفه تربیت نسل جوان و پرورش روحیه دینی و اجتماعی را برعهده داشته است. جالب است که بخشی از این گسترش جایگاه مسجد در نوارغزه پس از سیطره سیاسی حماس بر نوارغزه یعنی از ۲۰۰۶ به این سو است.

مسجد در چارچوب جنبش حماس، به بخشی از «زیرساخت اجتماعی» و هویت اسلام سیاسی غزه تبدیل شد؛ زیرساختی که در شرایط محاصره و جنگ، توانایی جامعه برای حفظ انسجام خود را تقویت می‌کرد. مسجد در نوارغزه محوریت اصلی هر محله و محله‌ها هم بیشتر بر محوریت خاندان‌های مشخص ایله‌گذاری شده‌اند و محوریت مسجد سکان و نظم دهنده یک نظم اجتماعی

نور شده است.

از همین زاویه می‌توان گستردگی حمله به مساجد غزه را نیز فهم کرد. وقتی ۱۲۴۴ مسجد هدف قرار می‌گیرد، موضوع دیگر صرفاً تخریب اماکن مذهبی نیست؛ شبکه‌ای از نظم اجتماعی برآمده از فضاهای اجتماعی، آموزشی و دینی نیز از میان می‌رود. اما شاید مهم‌تر از ویرانی، واکنش جامعه غزه باشد. اکنون بیش از ۴۰۰ مصلای موقت با چوب و برزنت در نقاط مختلف غزه ایجاد شده تا مردم بتوانند نمازهای جماعت، جمعه و اقدامات محوری هر محله را ادامه دهند. گفتنی است مساجد فعال و محوری محلات بیش از طوفان حدود ۶۰۰ مسجد بوده که ۴۰۰ مصلای موقت نشان از تلاش برای بازایی نقطه ثقل اجتماعی غزه یعنی مساجد اصلی و محوری است.

بسیاری از تجهیزات و ظرفیت‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه نیز درگیر تحولات تنگه هرمز هستند و گسترش دامنه جنگ می‌تواند در داخل آمریکا با استقبال مواجه نشود. اگرچه تصرف مخا و جزیره پریم توسط انصارالله فشار بر واشنگتن برای واکنش نشان دادن را افزایش داده است، دولت ترامپ ممکن است بیش از هر چیز نگران برهبریز از گرفتار شدن در یک درگیری نظامی جدید، آن هم در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا باشد. آکسیوس گزارش داده است که ترامپ پس از پیشروی انصارالله در روز پنجشنبه، درخواست عریستان برای انجام حملات هوایی علیه این گروه را رد کرده است.

دو گلوگاه

بزرگ‌ترین اهرم فشار ایران علیه آمریکا، توانایی این کشور برای بستن تنگه هرمز بوده است. در بخش عمده‌ای از جنگ، عربستان سعودی روزانه بین سه تا پنج میلیون بشکه نفت را از طریق بنادر خود در دریای سرخ صادر کرده است؛ مسیری که به یک پشتوانه حیاتی برای ریاض و بازارهای جهانی نفت تبدیل شده است. اما اکنون انصارالله می‌تواند این صادرات را محدود کند.

در حال حاضر کنترل باب‌المنندب در دست انصارالله و کنترل تنگه هرمز در دست ایران است و اگر چنین وضعیتی پایدار بماند، ایران و متحد منطقه‌ای آن در عمل به دروازه‌بانان بخش بزرگی از تجارت جهانی به ارزش سالانه چندین تریلیون دلار تبدیل خواهند شد. در دهه‌ای که از آغاز جنگ داخلی یمن در سال ۲۰۱۴ می‌گذرد، پیامدهای این جنگ ابتدا به عربستان و امارات و در نهایت به دریای سرخ کشیده شد.

اما اکنون با جنگ ایران، گسترش ائتلاف‌های منطقه‌ای انصارالله و توانایی مشترک آنها و ایران برای تأثیرگذاری بر تجارت جهانی انرژی فراهم شده است. جنگ یمن از مدت‌ها پیش به میدان رقابت قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شده است. اما در مرحله جدید، ممکن است پای قدرت‌های بزرگ‌تری مانند روسیه، ترکیه و آمریکا نیز بیش از پیش به این بحران باز شود. در چنین شرایطی، یمن دیگر صرفاً میدان رقابت برای نفوذ منطقه‌ای نخواهد بود، بلکه می‌تواند به سکوی برای رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر یک گلوگاه حیاتی دریایی تبدیل شود.

منبع: foreignaffairs

ایران و متحدانش تلاش می‌کنند با کنترل مهم‌ترین گلوگاه‌های دریایی خاورمیانه، وضعیت موجود جدیدی را در منطقه تثبیت کنند. دستاوردهای اخیر انصارالله چشم‌انداز دستیابی به یک توافق سیاسی را تضعیف کرده است. این گروه اکنون احتمالاً با مواضعی حداکثری‌تر، هم در مذاکرات و هم در اعمال کنترل در سراسر دریای سرخ، ظاهر خواهد شد .

از تنگه تا دریا

تقریباً پنج‌ماه پس از آغاز جنگ ایران در اواخر فوریه، انصارالله عمدتاً در حاشیه تحولات باقی ماندند. این آرامش نسبی در اواسط ژوئیه پایان یافت؛ زمانی که ایران یک هیأت انصارالله را از تهران به صنعاً منتقل و عربستان سعودی و دولت یمن برای جلوگیری از فرود این هواپیما، تنها باند فرودگاه صنعاً را بمباران کردند. اگرچه هواپیما در نهایت در بندر حدیده که تحت کنترل انصارالله بود فرود آمد، اقدام عربستان دلیلی در اختیار انصارالله قرار داد تا از آتش بس سال ۲۰۲۲ خارج شود. از همین نقطه بود که مقاومت تشدید حملات خود علیه منافع عربستان و همچنین عملیات جدید خود علیه نیروهای ائتلاف در یمن را آغاز کرد. این کارزار انصارالله آشکارا با هدف بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌های جدید عربستان طراحی شده است. همزمان با تشدید فشار ایران بر تنگه هرمز، دریای سرخ به شریان حیاتی صنعت نفت عربستان تبدیل شده است. اما از زمان ازسرگیری حملات انصارالله در ژوئیه، صادرات نفت عربستان از مسیر باب‌المنندب ۹۵ درصد کاهش یافته است. اکنون انصارالله با هدف قرار دادن زیرساخت‌ها و کشتی‌ها در نزدیکی مجموعه بندرینعیع در دریای سرخ، انتقال نفت عربستان به سمت شمال و از طریق مصر را نیز تهدید می‌کنند.

در همین حال، جنگ آمریکا با ایران به اهداف حداکثری انصارالله در داخل یمن نیز انگیزه داده‌ای بخشیده است. این گروه از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» که پس از آتش بس شکل گرفته بود، ناامید شده و ریاض را مسئول تأخیر عمدی روند دستیابی به یک توافق سیاسی رسمی برای پایان دادن به جنگ داخلی ۱۲ ساله یمن می‌داند. اکنون انصارالله بر این باور است که می‌تواند عربستان را وادار کند شرایطی حتی بهتر از نقشه راه مورد حمایت سازمان ملل در سال



پیشروی انصارالله معادلات منطقه را دگرگون می‌کند

جبهه دوم علیه آمریکا

ترجمه

با بهره‌گیری از فرصت ایجادشده در بحبوحه جنگ ایران، انصارالله یورش تازه و گسترده‌ای را برای دستیابی به برتری نظامی در یمن و مناطق پیرامونی آن آغاز کرده است. این گروه متحد با ایران، روز سه‌شنبه موجی از حملات پهپادی و موشک‌های بالستیک را علیه عربستان سعودی انجام داد که در پی آن، تأسیسات نفتی در جنوب این کشور به آتش کشیده شد.

سپس روز پنجشنبه، پس از چند روز درگیری شدید در خطوط مقدم اصلی در داخل یمن، انصارالله نیروهای دولت مورد حمایت عربستان را در امتداد ساحل دریای سرخ شکست دادند و بندر راهبردی المخا را به تصرف خود درآوردند.